

## عنوان مقاله:

سید فخرالدین شادمان، ایستاده بر زمین زبان

## محل انتشار:

مجله جامعه شناسی ایران، دوره 21، شماره 4 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

## نویسندگان:

محمدسالار کسرائی - دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (پژوهشکده مطالعات اجتماعی)،

ریتا اصغریور - دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد- تهران مرکز

## خلاصه مقاله:

این تحقیق در صدد است به خوانش اندیشه "سید فخرالدین شادمان" از تجدد و مسائل برآمده از آن در چارچوب نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه بپردازد، اینکه چه رویکرد سلبی یا ایجابی نسبت به تجدد، و خاستگاه آن غرب، در گفتمان شادمان شکل بندی شده است و چه نظامی از معانی و مفاهیم را در مواجهه با تجدد و شکاف های هویتی ناشی از آن بر ساخته است. او پرسش و پاسخ خود از چگونگی این مواجهه و جذب یا طرد ملزومات و وقته های تمدن غرب را در کتاب تسخیر تمدن فرنگی در دهه ۱۳۲۰ شمسی صورت بندی می کند، و با باور به تجددی هدایت شده و برنامه ریزی شده در زنجیره گفتمان های بومی گرا معتقد است جانمایه تجدد و پیشرفت غرب فقط در علم آن محدود می و این علم را باید اخذ کرد پیش از آن که سایر عناصر فرهنگ مهاجم غربی، سوژه های مستقر در وضعیت فرهنگی- اجتماعی سنتی را مسخر خود سازند و از محتوای هویتی شان تهی کنند. شادمان پروژه تسخیر تمدن غرب را امکان پذیر نمی داند مگر با خودآگاهی و وحدت ملی که او این هر دو را با مفصلبندی حول دال مرکزی زبان فارسی به عنوان بازنمای هویت و خرد ملی ممکن دانسته و تلاش می کند با ایجاد خصلت تعیین کنندگی در زبان فارسی، مواضع سوژگی پراکنده را از مقام خود حقیر تجدد زده یا سنت زده به موضع منسجم و یکپارچه خود آگاه و اصیل، ارتقا دهد تا سوژه به واسطه این خودآگاهی به بومی سازی تجدد پرداخته و ایران را از وضعیت سلطه و تسخیر غرب برهاند.

## کلمات کلیدی:

تسخیر تمدن فرنگی، فکلی، زبان فارسی، علم، هویت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1658955>

